

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم - شماره اول - بهار ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۱

سبک‌شناسی اشعار کودک و نوجوان عباس یمینی شریف

(ص ۱۵۲ - ۱۲۱)

مریم خلیلی جهانتیغ^۱ (نویسنده مسئول)، مسعود زندوانی^۲
تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۲۰
تاریخ پذیرش قطعی: ۸۹/۱۲/۴

چکیده:

شعر کودک از فروع ادبیات کودک بشمار میرود. از ویژگیهای اصلی شعر کودک میتوان آهنگین بودن با تکیه بر وجوه صوتی و موسیقایی کلمات، بهره‌گیری از وزن و قافیه، سادگی زبان، زیبایی مضمون و عنصرخیال را نام برد که به ذوق زیبایی‌شناسی و موسیقایی کودک و همچنین غریزه بازی او پاسخ میدهد. عباس یمینی شریف از جمله شاعرانی است که از لحاظ زمانی و تاریخی پس از شاعرانی چون محمود خان ملک‌الشعرا صبا، ایرج میرزا و میرزا یحیی دولت‌آبادی قرار میگیرد و میتوان او را به گواهی کوششهای پیگیرانه‌اش در طول چندین دهه و همچنین آثار و نامش، بعنوان یکی از پیشگامان و بنیانگذاران شعر کودک و از مطرحترین چهره‌های دوره نخست شعر جدید کودک به حساب آورد. از آنجا که تا بحال هیچ پژوهشی بطور مستقل به توصیف سبک‌شناسانه اشعار کودک و نوجوان این شاعر نپرداخته است در این مقاله برآنیم تا به این مهم پردازیم و هدف ما در این بررسی با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی معرفی ویژگیهای روساختی و زیرساختی اشعار اوست.

کلمات کلیدی:

شعر کودک، عباس یمینی شریف، سبک، زبان، موسیقی، صورخیال.

۱ - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان maryam2792@yahoo.com

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان masoud.zand.65@gmail.com

مقدمه:

شعر کودک و نوجوان یکی از مهمترین و برجسته‌ترین گونه‌های ادبیات کودکان و نوجوانان بشمار می‌آید و مانند هر گونه‌ی ادبی دیگر دارای ویژگیهای سبکی خاصیت. عباس یمینی شریف از پیشگامان شعر جدید کودک محسوب میشود و اشعار او از لحاظ تاریخی سرآغاز شعر جدید کودک است؛ لذا سبک‌شناسی شعر او و شناسایی ویژگیهای کارهای او در این عرصه بسیار مهم و ضروری مینماید و همچنین گامیست برای شناخت بهتر و دقیقتر اینگونه مهم ادبی در جهت فهم ساختار آن است. در زمینه نقد و بررسی شعر کودک در ایران آثار چندی از قبیل «شعر کودک در ایران» نوشته محمود کیانوش، «شعر کودک از آغاز تا امروز» نوشته سید مصطفی گرما رودی، «از این باغ شرقی» نوشته پروین سلاجقه و... نوشته شده اند؛ اما تا بحال اثری که بصورت مستقل به بررسی و توصیف سبک‌شناسی شعر عباس یمینی شریف (از پیشگامان و بنیانگذاران شعر جدید کودک و نوجوان) بپردازد، بوجود نیامده است.

مقاله حاضر با توجه به ضرورتهایی که گفته شد، بر آن است که به بررسی توصیفی سبک‌شناسی عباس یمینی شریف بپردازد. روش ما در این بررسی مطابق است بر روشی که سیروس شمیسا در کتاب کلیات سبک‌شناسی خود ارائه داده است. بنابراین ما در این مقاله اشعار یمینی شریف را از سه دیدگاه زبانی، فکری و ادبی مورد دقت قرار داده و نتایج آن را ارائه میدهیم.

۱- تعریف ادبیات کودک

ادبیات کودک (که ادبیات مربوط به نوجوان را نیز در بر میگیرد)، شامل بخشی از ادبیات است که از طرف بزرگسالان جامعه در راه گسترش فکر و سطح دانش کودکان و همچنین پرورش دادن ذوق و استعداد های آنان نوشته میشود. محمد محمدی، درباره ادبیات کودک مینویسد: «ادبیات کودک، عبارتست از هر گونه متنی که با چارچوب و طرح مشخصی بطور عمد یا غیر عمد برای کودکان آفریده شده باشد؛ بصورتی که کودک با آن ارتباط برقرار کند و این رابطه منجر به برانگیختن احساسات، عواطف و پدید آمدن لذت زیبا شناختی شود و تأثیرات خاص روحی روانی روی کودک بگذارد و سبب شناخت او شود.» (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۳)

۲- تعریف شعر کودک

محمود کیانوش درباره شاعر شعر کودک بر این باورست: «شاعری که برای کودک شعر میگوید، دوره کمال زندگی را طی میکند، جوان است یا میانسال، یا شاعر کودک بوده است و هست و به دوران رسیده است؛ به هر حال دوره پختگی است؛ از تجارب حسی و ذهنی خود به فلسفه‌ای رسیده است؛ بدبین یا خوش بین است؛ دهری یا عارف یا، متأله مذهبی است؛ کام یافته یا ناکامیاب است؛ تندرست یا علیل مزاج است؛ و بسیار و بسیار چیزهای دیگر. اما هنگامی که میخواهد برای کودک شعر بگوید، یا میتواند خود را با همه تواناییهای ذهنی و هنری که دارد، در قالب کودکی سالم و پرتحرک وبالنده و با نشاط جای دهد، یا نمیتواند، اگر توانست، شاعر کودک است و اگر نتوانست فرتوت بیچاره نالنده‌ای است گرانبار از حسرت و پشیمانی...» (کیانوش، ۲۵۳۵: صص ۱۰۰-۱۰۱)

اما درباره تعریف شعر کودک باید گفت که ناقدان و شاعران برای شعر کودک نیز همانند شعر بزرگسالان نتوانسته‌اند تعریفی جامع و مانع فراهم کنند و تعاریفی که تا کنون عرضه شده است بر صفات سلیبی و ایجابی استوار است و به عبارت دیگر از طریق لوازم خواسته‌اند شعر کودک را نشان بدهند و همواره این سؤال که شعر کودک چیست؟ و شعر کودک باید چه ویژگیهایی داشته باشد؟ ذهن شاعران شعر کودک را به خود مشغول داشته است. بنابراین هر یک از شاعران و ناقدان شعر کودک برداشتها و تعاریف گوناگونی از شعر کودک دارند که به مواردی از آنها اشاره میکنیم:

عباس یمنی شریف درباره تعریف شعر کودک میگوید: «شعر کودک کلامی است موزون و زیبا، چه از حیث ترکیب اصوات و کلمات، چه از حیث مضمون (در مورد اشعار بی معنی، زیبایی ترکیب اصوات و کلمات کافی است) اما در مورد اشعار دیگر باید هر دو عامل زیبایی در آنها وجود داشته باشد. شعر کودک بر پایه موسیقی اصوات و کلمات بنا میشود و وسیله‌ای است برای بازی، حرکت و آواز او» (سهراب مافی، ۱۳۷۲: ۱۵۵)

قدمعلی سرامی، تعاریف مختلفی از شعر کودک ارائه میدهد، او در جایی مینویسد: «شعر باید شبیه کودک خیالمند، حال گرا، صمیمی، راز آمیز و غیر قابل پیش‌بینی باشد.» (سرامی، ۱۳۸۵: ۱۲۷) و در جای دیگری مینویسد: «هرچه کودکان میپندارند و میکنند و میگویند، بشرط آنکه هنگام پنداشتن و کردن و گفتن، زیر سلطه والد خویش نباشند شعر

خواهد بود.» (همان: ۱۲۷) دونانورتون نویسنده کتاب «شناخت ادبیات کودکان» درباره شعر کودک مینویسد: «شعر دریافتهای تازه‌ای از جهان به دست میدهد. کودکان میتوانند شریک احساسات، تجربه‌ها و دیدگاههای شاعران باشند. کودکان میتوانند از رهگذر شعر، نیروی واژه‌ها را کشف کنند، همان نیرویی که شاعر توانایی آزاد کردن آن را دارد. برانگیختن عشق به شعر در کودکان با ایجاد توان لذت بردن از زندگی همگون است، بهره مند کردن کودک از عشق به شعر، روان کردن چشمه‌ای درونی از شادابی و تازگی در وجود اوست. درک شعر برای فرد بگونه‌ای حس ششم به ارمغان می‌آورد که در زندگی، از او انسانی چالاک میسازد.» (نورتون، ۱۳۸۲: ۳۴۶)

۳- درباره عباس یمینی شریف

عباس یمینی شریف از نخستین شاعران و نویسندگان کودکان ایران، در سال ۱۲۹۸ ش. در پامنار تهران زاده شد. در پنج سالگی به همراه خانواده خود به دهکده دربند در نزدیکی تهران رفت. او را در همان جا به مدرسه و مکتب سپردند. زندگی در روستا، از سویی یمینی شریف را به دوستی با طبیعت، گیاهان و جانوران برانگیخت و از دیگر سو، رفتار خشن و خشک مربیان مدرسه و مکتب روستا، نشان خود را تا پایان زندگی در روح کودکان او باقی گذارد. (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴: ج. ۶: ۷۸۵) او در سال ۱۳۱۸-۱۳۱۷ با هدف گزیدن پیشه آموزگاری وارد دانشسرای مقدماتی تهران شد. کتابخانه دانشسرا، کتابهای بیشماری به زبانهای گوناگون برای کودکان داشت و یمینی شریف با خواندن و لذت بردن از آنها به این باور رسید که باید کتابها، نشریه‌ها و شعرهای ویژه‌ای برای کودکان و نوجوانان به زبان ساده و روان درباره زندگی روزانه و در خور درک و توان آنان نوشته شود. بنابراین تصمیم گرفت کتابهای کودکان را از زبانهای دیگر به فارسی برگرداند. نخستین ترجمه او از کتاب «ابرا و تیتانیا» از افسانه‌های پریان، بسیار مورد پسند استادانش قرار گرفت. از این پس، او بجای سرودن شعر در زمینه‌های گوناگون، شعر کودکان را برگزید و دیگر در همه جا- خانه، کوچه و خیابان - شعر میگفت و آنها را روی کاغذ پاره‌های جیبش مینوشت. در سال ۱۳۲۱ یکی از شعرهای او در روزنامه «نونه‌الان» ویژه کودکان با این مطلع به چاپ رسید: سوسکه میگه جیرجیر / کرده گلوم گیرگیر. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۵۲) دو سال بعد نخستین شماره مجله «بازی کودکان» به سردبیری عباس

یمینی شریف منتشر شد. در سال ۱۳۲۴ شعرهای او به کتابهای ابتدایی مدرسه‌های اراک و سپس کتابهای اول و دوم و سوم تمام دبستانهای ایران راه یافتند. آنگاه مدیر مجله‌های «دانش آموز» و «سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ» که از نشریه‌های وزارت فرهنگ وقت بودند، شد. از دی ماه ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۸ مدیر مجله «کیهان بچه‌ها» بود و شعرهای او در «تهران مصور کوچولوها» (۱۳۳۶) و چند نشریه دیگر به چاپ میرسیدند. (همان: ۳۰)

عباس یمنی شریف با همراهی همسرش - توران مقومی - در سال ۱۳۳۶ دبستان «روش نو» را باز کرد که بعد ها به یک مجتمع آموزشی از کودکان تا پایان دوره راهنمایی گسترش یافت و تا سال ۱۳۵۸ به کار ادامه داد. او همزمان، مدیر باشگاه کودکان نیز بود. در سال ۱۳۴۱ به همراه شماری از کارشناسان و کاردانان آموزش و پرورش و ادبیات کودکان و کتابداری، «شورای کتاب کودک» را بنیان نهاد. او همچنین در پایه‌گذاری انجمن پژوهشهای آموزشی پویا نقش بزرگی داشت.

یمینی شریف در درازای نیم سده کار و تلاش، آثار بسیاری در زمینه شعر، قصه و نمایشنامه به نظم و نثر و داستانهای مصور پدید آورد. ترجمه داستان و مطالب اجتماعی، نگارش کتاب اول ابتدایی، کتاب اول و دوم برای بزرگسالان نوآموز روستایی و شهری و کارگران، کتابهای آموزشی برای پدران و مادران در روستاها و مقاله‌های آموزشی و اجتماعی در روزنامه «کیهان»، از کارهای اوست. سرانجام عباس یمنی شریف، این نغمه سرای کودکان، که به قول خودش، نیم قرن از عمر خود را به گشت و گذار در باغ شعر کودکان سپری کرده بود، در ۲۸ آذر سال ۱۳۶۸ جان به جان آفرین تسلیم کرد.

۴- عباس یمنی شریف و شعر کودک

یمینی شریف زمانی در زمینه شعر کودک فعالیت میکرد که کسی به نام شاعر کودک در ایران شناخته نمیشد. او خود در این باره میگوید: «پنجاه سال پیش که به سرودن شعر برای کودکان و نوجوانان پرداختم، کس دیگری به نام شاعر کودکان وجود نداشت. تنها چند شاعر مانند ایرج میرزا، یحیی دولت‌آبادی، مهدی قلی‌خان هدایت، ملک الشعرای بهار، حبیب یغمایی، پروین اعتصامی، گل‌گلاب و یکی دو تن دیگر چند شعری برای کودکان سروده بودند.» (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۱۶)

بنابراین، باید گفت یمینی شریف نخستین کسی است که از همان آغاز تمام سعی خود را در مورد شعر کودک صرف کرد و جز شعر کودکانه نسرود و جز به کودک فکر نکرد. به این دلیل، باید او را نخستین شاعر کودک در ایران بدانیم. علاوه بر اینها، او نه تنها شعرهای کودکانه بسیاری سرود، بلکه اشعارش از نظر فضای کودکانه‌ای که داشت، از اشعار پیشین ممتاز بود. بهر حال، یمینی شریف تنها شاعریست که بیشترین تعداد از اشعار او طی بیش از پنجاه و پنج سال بطور مرتب در کتابهای دبستانی آمده است؛ تا جایی که هم اکنون نیز تنها در کتابهای فارسی دبستان شعر او وجود دارد. شمار آثار یمینی شریف برای کودکان و نوجوانان به سی و پنج کتاب میرسد. چندین کتاب او از کانونهای ادبی و فرهنگی ایران و جهان جایزه گرفته‌اند. برخی کارشناسان، مهمترین کار عباس یمینی شریف را نگارش کتاب «نیم قرن در باغ شعر کودکان» دانسته‌اند.

در ادامه به بررسی و توصیف سبک‌شناسی شعر عباس یمینی شریف میپردازیم. اشعاری که از او مورد بررسی قرار میگیرند در کتابهای «آواز فرشتگان»، «گل‌های گویا»، «باغ نغمه‌ها» و «نیم قرن در باغ شعر کودکان» آمده‌اند. باید گفت که مجموعه اخیر در برگزیده برگزیده‌ای از کتابهای دیگر یمینی شریف میباشد که توسط خود او گردآوری شده است.

۵- سطح زبانی

۵-۱- سطح آوایی

۵-۱-۱- موسیقی بیرونی (وزن عروضی)

اولین اصلی که در شعر کودک به آن پرداخته میشود وزن میباشد. وزن اساس و رکن اصلی شعر کودک است و اصولاً شعر کودک بدون وزن و آن هم وزنی کوتاه، ضربی و شاد هیچگاه شعر کودک نخواهد بود. استفاده از وزن خوب و مناسب در سرایش شعر کودک موجب میشود شعر روانتر و ساده تر بنماید و کودک نیز بسیار زود با آن شعر ارتباط صمیمی و تنگاتنگی برقرار کند. بنابراین در شعر کودک بیشترین توجه هر شاعری به وزن معطوف میباشد. عباس یمینی شریف در تمامی اشعارش از اوزان پرکاربرد شعر فارسی مثل «بحر رمل»، «بحر هزج»، «بحر رجز» و همچنین زحافات آنها بیشتر بهره مند شده و چون به تأثیر سحرانگیز موسیقی بیرونی در شعر کودک آگاهی کامل داشته، در گزینش اوزان برای سرایش شعر کودک موفق بوده است. یمینی شریف، خود درباره وزن شعر مینویسد:

«اوزان شعر هر محیط از صداها و آواهای همانند و مکرر، طبیعی یا غیر طبیعی که در آن محیط پدید می آید، گرفته شده یا میشود. مثلاً صدای کبوتر، بدبده، صدای بهم خوردن شاخهای درختان، صدای حشرات،... و اخیراً صداهای موتورها و ماشینها و بسیاری صداهای دیگر، اوزان شعر الهام میکنند. وزن شعر کودک هر چه به ریتم صداهای کوتاه و ساده موجود در محیط نزدیکتر باشد، برای کودک دلچسبتر و جذابتر است.» (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۴۳) بنابراین او با آگاهی تمام از صداهای موجود در محیط، بسیار سود برده است: قدقدقا، قدقدقا / آی بیچه ها آی بیچه ها. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۵۳)، تگرگ آمد دام دام / سرم سرم، دام دام دام. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۳۰)

برای نشان دادن اوزان شعری یمینی شریف، دوگونه اشعار کودکانه و نوجوانانه او را به صورت مجزا تقطیع کرده ایم و نتایج اینگونه است: در اشعار کودکانه یمینی شریف، عموماً وزنهایی با پایه های عروضی محدود کم و در نتیجه مصراعهای کوتاه بکار رفته است. هر پایه وزنی در این شعرها، از ترکیب هجاهای بلند و کوتاه و به ندرت از هجاهای کشیده بوجود می آید. وزن شعرها در اینگونه آثار شاعر، ریتمیک و رقص انگیزست که نقش مهمی در علاقه مند کردن کودکان به زمزمه کردن آنها دارد. با بررسیهای انجام شده درباره اوزان اشعار کودکانه یمینی شریف، در شصت و نه شعر بررسی شده از اشعار کودکانه کتابهای «آواز فرشتگان»، «آوای نوگلان» و «نیم قرن در باغ شعر کودکان»، اوزان «مستفعلن فعولن» با هفت بار تکرار، «مفعول فاعلاتن» با ده بار «مستفعلن مستفعلن» با هفت بار «مفاعلهن» با هفت بار «فاعلاتن فاعلهن» با شش بار و «مستفعلن فع» با شش بار تکرار، بیشترین بسامد را دارند و از نه وزن مختلف الارکان دیگر، شانزده شعر ساخته شده اند.

همچنین در مورد یکصد و نه شعر بررسی شده از شعرهای نوجوان و داستانه های منظوم شاعر که در کتابهای «باغ نغمه ها»، «نیم قرن در باغ شعر کودکان»، «آوای نوگلان» و «آواز فرشتگان» آمده اند، باید گفت که شاعر در سرودن اینگونه اشعار بیشتر از اوزان با پایه های عروضی سه تایی (مصراعهایی بلند تر از کودکانه ها) استفاده کرده است؛ بصورتی که اوزان «مفاعلهن مفاعلهن فعولن» با بیست و دو بار تکرار، «فاعلاتن فعولن فعولن» با هجده بار «فاعلاتن مفاعلهن فعولن» با چهارده بار «مفعول مفاعلهن فعولن» با نه بار «فاعلاتن

فاعلن (فاعلن)) با هشت بار و «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» با تکرارشش بار بیشترین تکرار را دارند و سی و دو شعر دیگر در چهارده وزن مختلف‌الارکان سروده شده‌اند.

۵-۱-۲- موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

در شعر کودک علاوه بر وزن و ریتم شعر، قافیه و ردیف نیز دارای اهمیت زیاد هستند. اگر برای کودکان شعر بی وزن هم بگوییم، شاید آن را بخوانند؛ اما بدون وزن و قافیه و دیگر هم آوایی‌ها در کلام، شعر کودک بعیدست که مورد پسند خردسالان واقع شود و همچنین ممکنست امروزه در شعر بزرگسالان، قافیه تأثیر زیادی نداشته باشد؛ ولی شعر کودک، بدون قافیه هیچ ارزشی ندارد؛ چرا که ذهن کودک ناخودآگاه با قافیه آشنایی کامل دارد. به همین سبب شاعران آشنا به کار، در بکارگیری قافیه و ردیف کوتاهی نمیکنند و حتی از قافیه و ردیفهای مرکب، برای بالا بردن جنبه موسیقایی کلام شعر بهره میگیرند. اصولاً قافیه در نخستین سالهای کودکی مورد توجه قرار میگیرد تا جایی که مریبان با آوردن کلمات هم قافیه و به عبارتی با قافیه بازی، نخستین دریچه ورودی به سرزمین شعر را به روی کودک میگشایند. عباس یمینی شریف هم با آگاهی از ارزش و اهمیت قافیه در شعر کودک، تلاش کرده است از قافیه‌های غنی و مستحکم در سرودن اشعار خود سود جوید و بدینگونه با استفاده از قافیه، موسیقی شعر خود را دوچندان کرده و باعث آرایش کلام خود گردد. قافیه‌ها در اشعار کودک یمینی شریف اکثراً از نوع قافیه‌های پایانی هستند: من یار مهربانم / دانا و خوش بیانم / گویم سخن فراوان / با آنکه بی زبانم / پندت دهم فراوان / من یار پند دادم. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۴۴)، چ اول چراغه / دست نرنی که داغه / غ سر اسم غازه / که گردنش درازه. (همان: ۱۲)، آن قله دماوند / آن کوه سخت پیوند / ماند به یک گلابی / در زیر جام آبی / در ابرها زمستان / باشد همیشه پنهان. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۵۵)، قایق شود روانه / بر روی رودخانه / کشتی سفر کند در / دریای بیکرانه. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۵۵)

همچنانکه دیدیم عباس یمینی شریف سعی کرده است بیشتر از قافیه‌هایی استفاده کند که از نظر موسیقایی غنیتر باشند؛ اما در جاهایی که شاعر احساس کرده است که قافیه نمیتواند موسیقی شعر او را کامل کند و شعر او باید از موسیقی غنیتری برخوردار باشد، از ردیف بعنوان آهنگ یار قافیه سود جسته است که در این صورت موسیقی شعر او دوچندان شده

است و همچنین برای کودک خوشایند تر: دنگ، دنگ، دنگ، دنگ میزنم / به سینه ام سنگ میزنم / زنگ، زنگ، زنگ میزنم / زنگ خوش آهنگ میزنم. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۵۶)، بید جوانه زده / دانه به دانه زده / بر سر هر بند آن / برگ زبانه زده. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۴۶)، مورم و دانه میبرم / دانه به لانه میبرم / به هر طرف رو میکنم / روی زمین بو میکنم. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۲۷)

از نمونه های خوب ردیف همچنین میتوان به اشعار «فریدون» (همان: ۴۷)، «ایران» (همان: ۱۵)، «نی نی کوچولو» (همان: ۶۵) و «باد فروردین» (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۲۹) اشاره کرد.

۵-۱-۳- موسیقی درونی

پس از بررسی موسیقی بیرونی (وزن عروضی) و موسیقی کناری (قافیه و ردیف)، میتوان به نوع دیگری از موسیقی شعر (موسیقی درونی) در شعر عباس یمینی شریف اشاره کرد. موسیقی درونی (انواع تکرارها و جناسها) نیز که مکمل موسیقی بیرونی و کناری هستند، در اشعار یمینی شریف گاهی نمود پیدا میکند؛ بطوری که شاعر هر جا که تشخیص داده است شعریت شعر در بکارگیری اینگونه از موسیقی است، از آن استفاده کرده است. بنابراین عواملی را که شاعر برای افزایش موسیقی درونی در اشعار خود از آنها استفاده کرده است؛ میتوان در دو گروه تکرارها و جناسها جستجو کرد.

۵-۱-۳-۱- تکرار

در شعر کودک عنصر تکرار یا تکریر با عنوان یکی از گونه های موسیقی درونی، ارزش فراوانی دارد. تکرار از جمله مقوله هایی است که در شعر یمینی شریف کاربرد فراوانی دارد و موجب تقویت موسیقی درونی شعر این شاعر شده است. تکرار که در شعر کودک از جایگاه ویژه ای برخوردار است، بگونه های متفاوتی تجلی می یابد. که اینک به بررسی هر کدام از آنها در شعر یمینی شریف می پردازیم:

۵-۱-۳-۱- مصوت کوتاه (تابع اضافات)

ایران پاکِ خود را. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۱۵)، زنِ خوبِ عزیزِ خانه دارم. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۱۴۶)، میانِ جمعِ دورِ هم نشسته. (همان: ۱۴۳)، لیکِ گنجشکِ سبکِ مغزِ ضعیف. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۳۰)، بیخِ گوشِ رفیقِ خود. (همان: ۲۰)، مردِ بی تجربه ناپخته. (همان: ۳۱)

همچنین در «گل بی عیب زیبا» (همان: ۳۳)، «جوی پر آب بقرار» (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۱۱۹)، «خانه بدکاری ایشان» (همان: ۱۳۳) و «سعی پنجه‌های پره‌نر» (همان: ۱۳۷).

۵-۱-۳-۲- تکرار واج (واج آرای، نغمه حروف)

یکی دیگر از علل دلنشینی و جذابیت شعرهای یمینی شریف، تکرار صداها در عبارت شعری است. این نوع تکرار را در جای جای اشعار او میتوان مشاهده کرد. خسرو خودش ناخوشی / برای خود خریده. (همان: ۲۹)، تکرار صامت «خ».

سبزی بیار سیر بیار/ سب و سماق گیر بیار /سنجد و سرکه پیدا کن /در وسط سفره گذار. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۹)، تکرار صامت «س» که «سفره هفت سین» را در ذهن تداعی میکند. همچنین تکرار صامت «س» (همان: ۱۲)، تکرار صامت «ش» (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۱۲۹)، تکرار صامت «ز» (همان: ۹۵)، تکرار صامت «گ» (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۱۸) و (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۱۹).

۵-۱-۳-۳- تکرار لغات

هر روز در صحرا روم / اینجا روم آنجا روم. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۱۹) چهار چهار چهار چهار /چهار /شدم زتاخت بقرار. (همان: ۶۳)، جای تو خوب است /بشتاب، بشتاب. (همان: ۵۳)، خیلی قشنگ میخندی /بخند، بخند که قندی. (همان: ۵۶)، زود زود زود بیا جلو. (همان: ۵۲)، باران آمد شر شر /آب راه افتاد گر گر /تگرگ آمد دام دام /سرم سرم پام پام /برف آمد ریز ریز /یخ آمد وشد لیز لیز لیز. (همان: ۳۰)

نوع دیگری از تکرار در حیطه لغات اشعار یمینی شریف وجود دارد که آن را میتوان جزء مشخصه های سبکی او بحساب آورد و آن اینست که شاعر کلمه ای را بدون فاصله، تکرار میکند و از آن تکرار بیشتر استمرار را میطلبد.

به شاخه دانه دانه است. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۱۱)، گل دسته دسته بستیم. (همان: ۱۸)، شد ابر پاره پاره. (همان: ۲۰)، آن را خورند یک یک. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۱۷)

همچنین «اندک اندک» (همان: ۳۲)، «رنگ رنگ» (همان: ۲۰)، «نیم نیم» (همان: ۴۷)، «گاه گاه» (همان)، «آه آه» (همان)، «ریز ریز» (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۲۸)، «مشت مشت» (همان: ۲۵)، «گروه گروه» (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۹۶)، «گله گله» (همان)، «پس پس» (همان: ۹۷)، «پیش پیش» (همان: ۹۷)، «کم کم» (همان: ۹۷) و «بیش بیش» (همان: ۹۷).

۵-۱-۳-۱-۴- تکرار عبارت

کوچه این نیست، خیابان این نیست / کوه این نیست، بیابان این نیست. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۱۶)، وقتی که گوید آن عمو / آی سمنو آی سمنو. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۹)

از نمونه کامل این نوع تکرار میتوان، شعر «سیزده بدر» (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۱۲) را نام برد که در تمام مصراعها میتوان اینگونه تکرار را مشاهده کرد: میرویم سیزده بدر / سیزده بدر / دسته بدسته، دسته بدسته / میبریم بار و بنه بار و بنه / بسته به بسته، بسته به بسته / خیلی داره مزه / گره زدن به سبزه. (همان: ۱۲)

۵-۱-۳-۱-۵- تکرار یک مصراع یا یک بیت

اشعاری از یمینی شریف را میتوان یافت که بر پایه تکرار یک مصراع یا یک بیت استوار است؛ بگونه‌ای که میتوان این نوع تکرار را در اکثر اشعار او مشاهده کرد: نرگس و سنبل آمده / بهار شد بهار شد / در همه جا گل آمده / بهار شد بهار شد / بنفشه‌ها شکوفه‌ها / بیا ببین بیا ببین / گرفته بوی خوش هوا / بیا ببین بیا ببین (همان: ۱۱)

همچنین این نوع تکرار در شعرهای «چهارشنبه سوری» (همان: ۸)، «ستاره» (یمینی شریف، ۱۳۴۵: صص ۲۰-۲۱) و «ما کار میکنیم» (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۶۱) دیده میشود.

۵-۱-۳-۲- جناس

در شعر یمینی شریف، از جناس نیز بعنوان یکی دیگر از عوامل موسیقایی میتوان نام برد، که جهت غنیتز کردن موسیقی شعر، مورد توجه شاعر قرار گرفته است. اینک به بررسی انواع جناس در شعر یمینی شریف میپردازیم:

۵-۱-۳-۱-۵- جناس تام

دست چو ظاهر شود / دم ز دستم می‌رود. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۲۲)، «دست» در مصراع اول که از اعضای بدن میباشد با «دست» در مصراع دوم که در عبارتی کنایی بکار رفته است، جناس تام دارد.

بود پایش در آستانه در. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۱۳)

۵-۱-۳-۲- جناس شبه اشتقاق

سوزم و سازم مدام. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۴۵)، بوده دستار خود شده دستور. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۲۰)، دلم از های و هوی تنگ مکن. (همان: ۳۴)، چه با خار و چه بی خار. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۷۳)،

۵-۱-۳-۳- جناس مزدوج

پیش همدرس خوب خود شیرین. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۳۱)، آنچه باید بدانم ندانم. (همان: ۲۹)، پرید آنگونه تیر تیز رفتار. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۲۳) همچین در «درز در» (همان: ۱۳۳)، «های هوی» (همان: ۱۴۰)، «یکی یک» (همان: ۱۴۴)، «روزی روزگاری» (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۲۷)، «گه گاه» (همان: ۱۵)، «بال بالی» (همان: ۱۹)، «سرفرازم سرفراز» (همان: ۲۰)، «مفیدم مفید» (همان: ۴۵)، «خاک پاک» (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۹)، «ناز نازی و پشت پشتی» (همان: ۵۹)

۵-۱-۳-۴- جناس مزید

۵-۱-۳-۵- جناس زاید

بردار و ببر به کوه ها ابر. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۶)، گاه و بیگاه روز و شام و سحر. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۱۲)، با سر و همسر و خلقی بسیار. (همان: ۱۷)

۵-۱-۳-۶- جناس وسط (افزایشی میانه)

جنبش خود را نهاده از نوی نی کنار. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۱۰)، کرد تصویر با زر و زیور. (همان: ۱۲)، همه را میکشید و میکوشید. (همان: ۱۲)، چنان افتاد جانم در تب و تاب. (همان: ۱۱۶)

۵-۱-۳-۷- جناس مذیل

چمن روید در آن جا سبز و خرم / شود زیر درختم سبزه زاری. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۴۳)، تو بچه نیستی پیری / تو پیر گوشه گیری. (همان: ۶۰)، پدر راضی ز ما خشنود مادر. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۱)، گاه چپ گاهی به راست. (همان: ۲۸).

۵-۱-۳-۸- جناس خط یا تصحیف

بعد از این با دست و پا. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۲۳)، شیر و خرگوش و اشتر و استر. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۱۲)، پا به پا با افتخار. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۲۰)، بر بوته های درهم / پرقطره های شبنم. (همان: ۲۲)

۵-۲- سطح لغوی

۵-۲-۱- بهره‌گیری از زبانی ساده، روان و موزون

یکی از ویژگیهای زبانی سروده‌های یمنی شریف، سادگی و روانی آنهاست. یمنی شریف به مقولهٔ زبان در سرایش شعر بسیار توجه داشته و سعی کرده است در سرایش شعر کودکان از زبانی کودکانه استفاده نماید. «کودکانِ زمانِ یمنی شریف در مقایسه با نسل پیش از خود، این بختیاری را داشتند که می‌توانستند بجای خواندن اشعار فخیم، فاخر و سنگین گذشته، سروده‌هایی ساده و روان را - که با توجه به حوزهٔ لغوی سن آنها سروده شده بود - بخوانند و به آسانی با این سروده‌ها پیوند برقرار کنند.» (حسن لی، ۱۳۸۵: ۲) بنابراین رمز زیبایی و ماندگاری اشعار این شاعر، که از زبانی ساده و منسجم برخوردار است. سروده‌هایی چون «فرزندان ایران» (یمنی شریف، ۱۳۴۵: ۱۵)، «یار مهربان» (همان: ۴۳)، «سایه» (همان: ۴۳)، «ستاره» (همان: ۲۰)، «گفتگوی من و ماه» (همان: ۴۰)، «کشتی میسازم» (یمنی شریف، ۱۳۸۴: ۶۹)، «بید باد» (یمنی شریف، ۱۳۵۲: ۴۶) و «چنار» (همان: ۵۳)، از همین ویژگی برخوردارند.

۵-۲-۲- نارسائیهای زبانی

از آنجایی که کودک، همهٔ حواسش را برای درک هستی بکار می‌گیرد، هر چیزی برای او سرشار از تازگی و هیجان است. این ویژگی کلمات را نیز شامل می‌شود. کلمات برای او زنده و تپنده اند. پس شاعر باید همانند مخاطبانش، شکل و رنگ و طعم و بوی کلمات را بفهمد و بچشد و با دریافت حسی قوی در گزینش کلمات با توجه به محدود لغاتی که در دسترس است بهترینها را انتخاب کند. (محمدی رفیع، ۱۳۸۵: ۱۷۵) شاعر کودک موظف است که خود با دقت و حوصله به برشمردن تعداد واژه‌های فهمیدنی و کاربردی مخاطبان خود پردازد و به هنگام سرودن شعر، با توجه به اینکه برای کدام گروه سنی مینویسد، بطور نسبی و تقریبی از این لغات بهره بگیرد و از بکار بردن واژه‌های نا آشنا با ذهن مخاطب خردسال خود و استفاده از ترکیبهای انتزاعی پرهیز کند و همچنین واژه‌های تازه یا واژه‌هایی را که گمان می‌برد برای کودک نامفهوم است، به کمک واژه‌های آشنا معنی کند. (همان: ۱۷۸) در برخی از شعرهای یمنی شریف علیرغم رعایت سادگی زبان، به مسائلی

همچون کهنگی زبان و شکستگی واژه‌ها که نارسائیهای زبانی را بوجود می‌آورد بر میخوریم که موجب سستی و کاهش ارزش شعر او شده است:

۵-۲-۱- بهره‌گیری از لغات کهنه و فرسوده

ق اول قیانه. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۱۱)، ل اول لعابی است. (همان: ۱۲)، و اول وزیری است. (همان: ۱۳)، ژ اول ژیانه / خوراکش استخوانه. (همان: ۱۳)، ث اول ثنایا استج. (همان: ۱۴)، دو سه تا جوجه سیاه و لندوک. (یمینی شریف، ج ۱۳۵۰: ۱۶)

۵-۲-۲- استفاده‌ی از لغات عامیانه

کشتیش رفته آن ور. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۶۹)، بیا ندی آزارش. (همان: ۷۰)، کند تا روی سنگی خستگی در. (همان: ۱۴۱)

۵-۲-۳- اسم صوت (صداهاى طبیعت)

«صداهاى طبیعى (افکت)، از چیزهایی است که دنیای تخیلی کودکان را لب ریز میکند. برای همین، در نخستین سالهای کودکی، کوشش میشود کودکان با صدای طبیعت، صدای باد، آب، برگ و صدای پرندگان آشنا شوند.» (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۱۹) همچنین صداهاى طبیعت، در رنگین کردن موسیقی کلام و نیز لبریز کردن جهان خیال کودکان بسیار مؤثر است. به همین سبب اغلب شاعران از جمله یمینی شریف، ناخودآگاه از صدای طبیعت، برای گفتگو با کودکان بهره می‌جویند:

صبح شد قوقور و قوقور. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۴۵)، باران آمد شرشر شر / آب راه افتاد گرگرگر. (همان: ۳۰)، از خوشی جیک جیک کنان. (همان: ۳۰)، گاو میکند ما ما ما. (همان: ۴۸)، تا بشنوی فش فش فش. (همان: ۴۸)

۵-۲-۴- کاربرد فراوان ترادفات (توالی صفات)

یمینی شریف در اشعار خود- اعم از کودک و نوجوان- زمانی که میخواهد صفتی را برای موصوفی به کاربرد علاوه بر آن صفت چندین صفت دیگر را نیز بصورت متوالی برای آن موصوف ذکر میکند که این مورد را میتوان از مشخصه‌های سبکی یمینی شریف بحساب آورد. این ویژگی را میتوان در جای جای اشعار او مشاهده کرد البته گاهی صفتها نقش قیدی دارند: باشم سر حال و شاد و خوشحال. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۳)، در آفتاب پائیز/

گرم و خوب و دل انگیز. (همان: ۲۲)، از میان دره زیبا و سبز و خرمی / خوب خرم میگذشت. (یمنی شریف، ۱۳۵۲: ۱۰)

۳-۵- سطح نحوی

۱-۳-۵- ترکیبات وصفی و اضافی مقلوب

شکر لب است و مخملی. ج. (یمنی شریف، ۱۳۵۰: ۴۰)، آوازه خوانجخوش نام. (همان: ۵۲)، شد خرده نانها تخم مرغ. (همان: ۵۳)، جسته زیان گرچه خرجاست. (یمنی شریف، ۱۳۴۵: ۳۹)، در آن کیودجگنبد. ج. (یمنی شریف، ۱۳۸۴: ۹۲)

۲-۳-۵- پیروی از مختصات نحوی فارسی کهن

۱-۲-۳-۵- کاربرد حروف اضافه کهنه و ادبی

از بهر حفظ ایران. (یمنی شریف، ۱۳۴۵: ۱۵)، از برایم میسرود. (همان: ۲۴)، میروود از پی بز بزغاله. (یمنی شریف، ۱۳۵۰: ۳۲)، زبان حال اندر هوایی. (یمنی شریف، ۱۳۵۲: ۲۳)

۲-۲-۳-۵- «را» به معنای «برای» (رای فکّ اضافه)

مرا بود آرزوی بیشماری. (یمنی شریف، ۱۳۵: ۲۷)، میز ریاست فقط او را انیس. (همان: ۲۵)، برزگر هست جهان را چون جان. (همان: ۳۴)

۳-۲-۳-۵- آوردن «ب» بر سر افعال

دان من مادر بداد. (یمنی شریف، ۱۳۴۵: ۲۵)، دیگر از من دست بشست. (همان: ۲۶)، مانند گل ببویم. (همان: ۴۱)، بسازد بر سر خود شاخساری. (همان: ۴۳)

۴-۲-۳-۵- ساخت فعل نهی با «میم»

دیگر مرو پس ابر. (یمنی شریف، ۱۳۴۵: ۲۱)، شبها مکن فراموش. (همان: ۴۰)، از من مباش غافل. (همان: ۴۴)

۵-۲-۳-۵- فعل مرکب

یمنی شریف در اشعارش دو رکن افعال مرکب را در اکثر موارد از هم جدا آورده و میان این دو رکن اجزای دیگر جمله را قرار داده است.

کردی گلی از باغ کم. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۲۲)، کی شوی از لانه سیر. (همان: ۲۵)، در آسمان گرفتیم / آن بالا بالاها جا. (همان: ۴۰)، خواهد که بیفتم از همه پیش. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۳)، کرده گردن را دراز. (همان: ۲۰)

۵-۳-۲-۶-۱- در حالت مفعولی

خوبم نگه داری کنید. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۵۳) دیدی که دارمت دوست. (همان: ۲۰)

۵-۳-۲-۶-۲- در حالت اضافی

نسیم افتد میان شاخ و برگم. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۲۷) تا شود صاحب بیهوشش خام. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۳۰)

۵-۳-۳- استفهام انکاری

کی به غیر از خانه دارد عالم ما / مجمعی بر پایه مهر فراوان؟. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۱۵)، کی شود آرامش جانم فراهم / بی پناه خانه و بی شادی آن؟. (همان: ۱۵)

۵-۳-۴- تعقید نحوی و زبانی (دشوار یا بی معنا)

تعقید نحوی و زبانی در برخی از سروده‌های یمینی شریف انتقال پیام را با اشکال مواجه می‌کرده و در پیام‌رسانی اختلال ایجاد میکند. آی سماور جوش آمد / آب به صدا توش آمد. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۱۶)، علفم خانه به صحرا دارم / من همین جاست اگر جا دارم / سر به صحراست که میمانم من / زنده دشت و بیابانم من. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۱۰۳)

۵-۳-۵- حروف اضافه

در اشعار یمینی شریف از حروف اضافه بخصوص حرف اضافه «از» استفاده فراوانی شده است؛ بصورتی که در کمتر موردی اتفاق می‌افتد که از این حرف اضافه در شعر او استفاده نشده باشد. در کتاب «دستور زبان فارسی؛ حروف اضافه و ربط»، برای حرف اضافه «از» بیست و نه کاربرد آورده شده است (خطیب رهبر، ۱۳۶۷: ۷۵) که نشان می‌دهد این حرف اضافه از کارکرد بالایی برخوردار است. در شعر یمینی شریف نیز این حرف کاربرد زیادی دارد.

۵-۳-۵-۱- ابتدای غایت

۵-۳-۵-۱-۱- در مکان

از بالا به پایین / افتادم زمین. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۳۶)، جهانگردی از آنجا کردم آغاز. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۴۰)

۵-۳-۱-۲- در زمان

هر روز از صبح سحر. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۴۴)

۵-۳-۲- اختصاص

آواز از تو/ من میزنم ساز / نازیدن از تو / من میکشم ناز. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۵۳)

۵-۳-۳- تبعیض

از من مباش غافل. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۴۴)، یک تن از آن جمع ریاست کند. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۲۴)

۵-۳-۴- جنس

من از برنج و آهنم. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۵۶)، ز چوبست و ز آهن. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۴۱)

۵-۳-۵- تعریف

من که از گل بهترم. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۲۸)، بیش از همه جشن کودکان است. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۳)

۵-۳-۶- تعلیل

از خوشی جیک جیک کنان. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۴۵)، چرا روی تو زرد از درد باشد. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۳۳)

۵-۳-۷- توضیح

کرده از عالمی سلیقه عبور. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۲۰)، هر دوشان از دل هم باخبرند. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۱۶)

۵-۳-۸- تفصیل

آنجا بگذار تا بارد/ از برف و تگرگ هرچه دارد. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۶)، ده پرآوازه شد و پر آهنگ / از شبان و رمه و ناله زنگ. (همان: ۳۳)

۵-۳-۹- ظرفیت

۵-۳-۱-۹- در مکان

از جنوب و از شمال/ جنبشی دادم به بال. (همان: ۲۶)، میرود از اطاق خود بیرون. (همان: ۳۷)

۵-۳-۲-۹- در زمان

درختی گشت بعد از روزگاری. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۱۰)، گذشت از این زمانها تا گذاری. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۲۳)

۵-۳-۱۰- فصل و تمیز

تا صواب از خطا تمیز دهیم. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۲۱)، نه غیر از من کسی میداند این راز.
(یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۸۹)

۶- سطح فکری

اگرچه رفتار یمینی شریف در ادبیات آن زمان رفتاری نو گرایانه بود اما شیوه نگاه یمینی شریف شیوه‌ای سنتی مینماید. با نگاهی به اشعار یمینی شریف میتوان گفت که شعر و نظم در دست او ابزاری بوده است برای بیان مسائل تعلیمی و تربیتی. یمینی شریف آنقدر که به کودک و تربیت او اهمیت میدهد به شعر و جایگاه آن توجه نشان نمیدهد بهمین سبب است که از دیدگاه ادبی اشعار او ضعیف است. یمینی شریف خود در این باره مینویسد: «موضوع شعر گاه خود پیش می‌آید و محیط القاء میکند، گاه برای بیان منظوره‌های خاص، موضوعهای مناسب انتخاب میشود. فی‌المثل بنا به وظیفه یک معلم و مربی از جمله کارهای من این بوده است که گهگاه در برابر موضوع شعری که از سابق وجود داشته و در اذهان جایگیر شده است ولی از نظر اجتماعی و تربیتی و تأثیر روانی در آن عیبی تشخیص میدادم و زیان آورش میدیدم، شعری از نو میساختم و منتشر میکردم به امید اینکه روزی جایگزین آن شود. مثلاً در مورد شعری که مادران برای پسران کوچک خود میخواندند و بعدها هم آنرا پسرها تکرار میکردند و چنین بود: پسر به پسر قند عسل / دختر به دختر کپه خاکستر و دخترها هم در برابر این تحقیر و اهانت میخواندند: دخترا تنگ طلا / پسرا برق بلا. من دو شعر ساختم که هدفم از ساختن آنها بیان صفات خوب هر یک و برابر و مساوی نشان دادن هر دو و مبارزه با این سنت بود که پس از وضع حمل مادر، اگر برای پدر خبر میبردند که نوزاد پسر است، مزدگانی میداد و شادی میکرد و جشن میگرفت. ولی اگر دختر بود، اساساً کسی جرأت نمیکرد که برای پدر خبر ببرد و زاییدن دختر برای مادر سرافکندگی و سیاه بختی و گاهی جدایی بود. شعرهایم چنین بود: من که از گل بهترم / پسر من پسر من / در دبستان همه را / مثل خود میشمرم / مادر از من راضیست / هست راضی پدرم /// بچه‌ها من دخترم / در خوش‌زبانی نوبرم / در خانه داری ماهرم / شریک کار مادرم / وقتی که پیش پدرم / شیرین به مثل شکر». (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۳۱-۳۲)

یمنی شریف در اشعار خود پیوسته در حال امر ونهی است. در شعرهای او، پیامهای اخلاقی و تربیتی درباره رفتارهای فردی و اجتماعی، بشکلی مستقیم به کودک داده میشود. یمنی شریف در اشعارش همانگونه که کودک را قابل مخاطب شدن یافته، او را هنوز شایسته استقلال در رفتار ندیده است. او در اشعارش سایه ای بسیار سنگین بر سر کودک شعر خود انداخته است بگونه‌ای که او باید مؤدب بنشیند و فرمان بپذیرد. (حسن لی، ۱۳۸۵: ۴) بنابراین در اشعار او «کودک در جایگاه مخاطبی آموزش‌گیرنده قرار دارد. ساختار معنایی در خدمت بزرگسال و مخاطب پند و اندرزهای او کودک است و شعر، تنها زبان ساده و کودکانه ای دارد.» (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴. ج. ۶: ۷۸۸)

برای نمونه زمانی که شاعر میخواهد از زیانهای سیگار بگوید و مخاطبان خردسال خود را از آن پرهیز دهد با زبان و بیان غیر هنری میگوید: فکر میکنی این کار خوبه؟ / کشیدن سیگار خوبه؟ / تو آدمی یا دودکشی؟ / یا چوب روی آتشی / آخر بگو چه سود داره؟ / چه فایده این دود داره؟. (یمنی شریف، ۱۳۴۵: ۵۴)

این رویکرد در میان شعرهایی که شاعر برای گروه‌های سنی پایین‌تر سروده است بیشتر به چشم میخورد و در قالبهای توصیف، اندرز مستقیم، روایت از زبان شاعر و روایت از زبان کودک ارائه میشود. (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴. ج. ۶: ۷۸۸)

بنابراین شاعر در قالب توصیف، ویژگیها و عاداتهای رفتاری خوب یا بد کودک را بر می‌شمارد و آنها را ستایش یا سرزنش میکند: فریدون مهربان است / عزیز کودکان است / به نرمی میزند حرف / همیشه خوش زبان است (یمنی شریف، ۱۳۴۵: ۴۷)

مهمترین جنبه اشعار یمنی شریف مضمون آموزشی برخی از اشعار اوست. این وجه اشعار او از معلم بودن او در دوره‌های مختلف سرچشمه میگیرد. بعنوان نمونه او در کتاب «آواز فرشتگان» برای آموزش حروف الفبا به کودکان شعری دارد با عنوان «شعر الفبا» (یمنی شریف، ۱۳۴۵: ۹-۱۴) که قسمتهایی از آن را می‌آوریم: آ اول آفتابه / صبح شد چه وقت خوابه / ر اول روباهه / که دست و پاش کوتاهه (همان: ۹-۱۰)

توجه دادن به جلوه‌های طبیعی جهان هستی از دیگر ویژگیهای بنیادین اشعار یمنی شریف است. این ویژگی هم در اشعار کودکانه یمنی شریف و هم در سروده‌هایی که برای نوجوانان پدید آورده است، دیده میشود.

از دیگر موضوعات اشعار یمینی شریف میتوان به شعرهایی با موضوع حیوانات اشاره کرد. همچنین در اشعار او باورهای فرهنگی و ملی ایرانیان نیز دیده میشود که از نمونه‌های آن میتوان شعرهای «چهار شنبه سوری» (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۸)، «هفت سین» (همان: ۹) و «سیزده بدر» (همان: ۱۲) را نام برد.

۷- سطح ادبی

۷-۱- ابزار خیال آفرینی (صورتخیال)

«من نمیتوانم با آن عده که میگویند زبان شعر باید همیشه زبانی ابهام آمیز، مرموز و منحصرأ خیال انگیز باشد، هم عقیده باشم، بخصوص در مورد شعر کودک.» (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۳۵) اما با نگاهی به اشعار این شاعر میتوان نقیض گفته او را ثابت کرد؛ زیرا هر چه اشعار او کودکانه تر میشود صور خیال آن اشعار هم به نسبت بیشتر میشود. ولی «کاربرد عنصر تخیل در شعرهای یمینی شریف یکسان نیست. در شعرهایی که به شناساندن جانوران، اشیاء و عناصر طبیعت میپردازد، با بهره گرفتن از تمثیل، توصیف و گاه بازی، عنصر تخیل چیرگی می یابد؛ اما در شعرهای پندآموز کارکرد عنصر تخیل بسیار سست است و گاهی نیز هیچ کارکردی ندارد.» (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴: ج. ۶: ۷۸۸) صورتهای خیالی در شعر یمینی شریف را میتوان در موارد زیر جستجو کرد.

۷-۱-۱- تشبیه

تشبیه یکی از صورتهای خیال انگیزی در شعر یمینی شریف میباشد که درصد آن بیش از دیگر صور خیال است. یمینی شریف در تشبیهات خود با دید تازه به اشیاء نگاه نکرده و رابطه جدیدی را بین اشیاء و امور کشف نکرده است. همچنین مشبه‌به‌هایی را که شاعر بکار میگیرد از همانهاییست که حتی مردم کوچه و بازار نیز در گفتگوهای خود بکار میبرند با همان رابطه و وجه شبه. اینک به بررسی انواع تشبیه در شعر یمینی شریف میپردازیم.

۷-۱-۱-۱- تشبیه فشرده

کمی هنر به دختر / جاز روی ماه بهتر. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۴۹)

چهره دلبران مه پیکر. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۱۲)

عاقبت گوهر مراد نیافت. (همان: ۱۳)

۷-۱-۱-۲- تشبیه گسترده

ما گل‌های خندانیم / فرزندان ایرانیم. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۱۵)
موجها گهواره وار / میکشندم هر کنار. (همان: ۲۱)
از پی هم دوان به راه / شوند چون نخ سیاه. (همان: ۲۶)
با بررسی‌های انجام شده در مورد تشبیهات شعر یمینی شریف باید گفت که تشبیهات غالباً از نوع گسترده هستند و ادات تشبیه و وجه شبه نیز در آنها ذکر شده است.

۷-۱-۱-۳- تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن طرفین

در مورد این نوع تشبیهات در شعر یمینی شریف باید گفت که در اغلب تشبیهات همچنان که دیدیم طرفین تشبیه هر دو از امور محسوس و مادی هستند؛ یعنی بوسیله یکی از حواس پنجگانه دریافت یا ادراک میشوند. علاوه بر اینها میتوان تشبیهاتی را نیز یافت که در زمره تشبیهات «عقلی به حسی» یا «حسی به عقلی» اند.
ایران پاک خود را / مانند جان میدانیم. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۱۵)، در این بیت «ایران» به «جان» تشبیه شده است که تشبیهی حسی به عقلی میباشد.
در فکر هر ایرانی / آزادی مثل جان است. (همان: ۱۵)، تشبیه «آزادی» به «جان» تشبیهی عقلی به عقلی است.

برزگر هست جهان را چون جان. (همان: ۳۴)، تشبیه «برزگر برای جهان» به «جان برای بدن» تشبیهی حسی به عقلی است.
یک طرف مادر نشسته چون فرشته. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۱۴)، تشبیه «مادر» به «فرشته» تشبیهی حسی به عقلی است.

۷-۱-۱-۴- انواع دیگر تشبیه

آن قله دماوند / آن کوه سخت پیوند / ماند به یک گلابی / در زیر جام آبی. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۵)، که «قله دماوند» با تشبیه «مفرد به مرکب» به «یک گلابی» مانند شده است که در زیر جام آبی قرار دارد. چو ابری بر سر کوهی زر اندود / به روی خرمن کاهی سگی بود. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۱۲۲)، این بیت از تشبیهات «مرکب به مرکب» میباشد و در آن سگی که بر روی خرمن کاه در حال نگهبانی است، به ابری مانند شده است بر سر کوهی زرانود.

۷-۱-۲- استعاره

از دیگر صورخیال در شعر یمینی شریف میتوان استعاره و انواع آن را نام برد که تا حدودی اشعار او را خیال‌انگیز کرده‌اند و همچنین نسبت آنها در مقایسه با دیگر صورخیالی کمتر است. البته باید گفت، تشخیص را که ما در زیر مجموعه استعاره آورده ایم، در اشعار یمینی شریف بیشترین بسامد را نسبت به دیگر صور خیال دارد. در ادامه نمونه‌هایی را از انواع استعاره می‌آوریم.

۷-۱-۲-۱- استعاره مصرحه

درختم چتر خود را میگشاید. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۴۳)، چتر: استعاره از برگهای انبوه درخت از قله تا گلویش. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۵)، گلو: استعاره از دامنه‌های قله سوزنی دارم نهان / بین لبها در دهان. (همان: ۴۳)، سوزن: استعاره از نیش زنبور

۷-۱-۲-۲- استعاره مکنیه

زد به تکبر همه کس کوس من. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۲۴)، در این مصراع «منیت و خودخواهی» به «طبلی» مانند شده است که میتوان بر آن کوبید. میوه فکر پخته باید چید. (همان: ۴۳)، در این مصراع «فکر پخته» به درختی تشبیه شده است که میوه میدهد.

۷-۱-۲-۳- استعاره مکنیه تخیلیه (تشخیص)

در اشعار یمینی شریف تشخیص به سه گونه پدیدار میشود: الف- زمانی که شاعر موجودی بیجان یا جاندار غیر انسان را مورد خطاب قرار میدهد: ای آلبالوهای قشنگ / رسیده و سیاه‌رنگ / آرام بگیرد آن بالا / در لابه لای شاخه‌ها. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۶۰)

آباد باشی ای ایران / آزاد باشی ای ایران / از ما فرزندان خود / دلشاد باشی ای ایران. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۱۵)

ب- زمانی که شاعر از زبان غیرجاندار و یا جاندار سخن میگوید در ضمن به معرفی آنها میپردازد. مورم و دانه میبرم / دانه به لانه میبرم / به هر طرف رو میکنم / روی زمین بو میکنم. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۲۷)

من که به این قشنگیم / با پرو بال رنگیم / یکه خروس جنگیم / قوقولی قوقو. (همان: ۵۳)

چیستانهای شعر یمنی شریف را نیز میتوان در اینگونه از تشخیصها قرار داد زیرا شاعر از زبان اشیاء و حیوانات به معرفی آنها میپردازد و در پایان شعر از کودک میخواهد نامش را بگوید: میپریم من با دو بال / با دو بال خالخال / سوزنی دارم نهان / بین لبها در دهان / بر تن هر کس زخم / زود بیمارش کنم / مینماید لرز و تب / جان او آید به لب / کوچکم من در نظر / هستم اما پر خطر / چیستم ای هوشیار؟ / فکر کن نامم بیار. (یمنی شریف، ۱۳۵۰: ۴۳)

ج- زمانیکه شاعر افعال و عواطف انسانی را به غیر انسان نسبت میدهد و به دو گونه گسترده و فشرده تقسیم میشود.

از نوع گسترده:

باد میخواند لالایی خواب. (یمنی شریف، ۱۳۵۰: ۱۹)، در این مصراع «باد» به انسانی مانند شده است که لالایی میخواند.

باد وزد گاهگاه / کاج کند آه آه. (یمنی شریف، ۱۳۵۲: ۴۷)، در این بیت «کاج» به انسانی مانند شده است که آه میکشد.

از نوع فشرده:

وزد نسیمی به چهره آب. (یمنی شریف، ۱۳۵۲: ۲۸)، در این مصراع «آب» به انسانی مانند شده است که چهره از ملائمت اوست.

قامت روز شد دوباره بلند. (همان: ۴۲)، در این مصراع «روز» به انسانی مانند شده است که قد و قامت از ملائمت اوست.

۷-۱-۳- مجاز

از تصاویر مربوط به حوزه مجاز میتوان نمونه‌های انگشت شماری را در شعر یمنی شریف یافت که این تصاویر از جنبه هنری و خیالی خاصی برخوردار نیستند.

۷-۱-۳-۱- مجاز با علاقه حال و محل (ظرف و مظروف)

تا دهد نعمت و روزی به جهان. (یمنی شریف، ۱۳۵۰: ۳۴)، منظور مردم جهان است.

مجاز با علاقه جزء به کل

ح اول حیوانه / فرمانبر انسانه. (یمنی شریف، ۱۳۴۵: ۱۳)، منظور اسب است.

۷-۱-۳-۲- مجاز با علاقه لازم و ملزوم

به کوه و دشت میتابید مهتاب. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۱۴۵)، منظور از «مهتاب» ماه است که لازم و ملزوم همنند.

۷-۱-۳-۳- مجاز با علاقه سبب و مسبب

که دگر سیر شدم زین کشور. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۱۶)، منظور از «سیر شدن» بیزار شدن است که سیری سبب بیزاری است.

۷-۱-۳-۴- مجاز با علاقه مجاورت

تو برو پر بزن بر روی هوا. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۱۲۹)، منظور از «پر»، بال و منظور از «هوا»، آسمان است.

۷-۱-۴- کنایه

در شعر یمینی شریف تصویرهای کنایی نیز یافت میشود که همه از کنایاتی هستند که عموم مردم آنها را پذیرفته‌اند و کودکان نیز جسته گریخته در اجتماع از اینگونه سخنان شنیده‌اند. کوشش و دست و پا کنم. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۲۷)، دست و پا کردن: کنایه از تلاش کردن خوبم نماید خشک و تر. (همان: ۴۸)، خشک و تر نمودن: کنایه از مراقبت و پرستاری کردن به ریش او میخندد. (همان: ۵۱)، به ریش کسی خندیدن: کنایه از مسخره کردن رنج او رفته به باد. (همان: ۵۵)، به باد رفتن: کنایه از نابود شدن و از بین رفتن

۷-۱-۵- حس آمیزی در تشبیه

نوع دیگری از تشبیه در شعر یمینی شریف یافت میشود که خود مقدمه‌ایست برای ساختن حس آمیزی؛ یعنی شاعر محسوسی را به محسوس دیگر تشبیه نموده آنها را به حوزه حس هم‌دیگر وارد میکند. اینگونه تشبیه گاهی در شعر بصورت صریح آمده است و گاهی تشبیه در ذهن شاعر ساخته شده و فقط حس آمیزی حاصل تشبیه در شعر ذکر شده است. اینک نمونه‌هایی را از هر دو مقوله می‌آوریم.

۷-۱-۵-۱- حس آمیزی مبتنی بر تشبیهات صریح

از این پندها دارد او انتظار / که شیرین بود نزد مردم چو قند. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۲۲)، ترکیب دو حس شنوایی و چشایی.

۷-۱-۵-۲- حس آمیزی مبتنی بر تشبیهات غیر صریح

بامزه کرده حرفش. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۳۳)، ترکیب دو حس شنوایی و چشایی حرفهای مادرم / نرود از نظرم. (همان: ۲۸)، ترکیب دو حس شنوایی و بینایی

۷-۲- صنایع بدیع معنوی

در شعر یمینی شریف میتوان صنایع بدیع معنوی را نیز یافت که از عوامل ایجاد موسیقی معنوی در شعر او به حساب می آیند. اینک به آنها میگردانیم.

۷-۲-۱- تضاد

میشدم بیدار و خواب. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۲۵)، «بیدار و خواب» در تضادند. گر ظاهرم شود پیر / صاحبدلی جوانم. (همان: ۴۴)، در این بیت «پیر با جوان» در تضادند. میشود هر مشکلی آرام آسان. (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۱۴)، در این مصراع «مشکل با آسان» در تضادند.

۷-۲-۲- تناسب

علف که خوردم شیر شود / ماست و کره، پنیر شود. (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۴۸)، در این بیت از شعر تناسب در لغات «شیر»، «ماست»، «کره» و «پنیر» دیده میشود. سبزی بیار سیر بیار / سیب و سماق گیر بیار / سنجد و سرکه پیدا کن / در وسط سفره گذار. (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۹)، در این دو بیت «سبزی»، «سیر»، «سیب»، «سماق گیر»، «سنجد»، «سرکه» و «سفره» تناسب دارند.

۷-۳- قالب شعر

یمینی شریف از جمله شاعرانی است که یکی از مهمترین عناصر در سرایش شعر کودک، برای او قالبهای شعری است. یمینی شریف در استفاده از قالبهای مختلف شعری بیشتر به قالبهایی توجه نشان داده است که قافیه در آنها نقشی اساسی دارد. قالبهای مسلط در شعر یمینی شریف را به ترتیب میتوان مثنوی، غزل و چهار پاره دانست. ناگفته نماند که شعرهایی در قالبهای ترجیع بند، ترکیب بند و ترجیع بند واره را نیز به نوعی میتوان در اشعار او یافت که البته بسامد آنها پایین است. شعرهایی از قبیل «چهار شنبه سوری» (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۸)، «سبزه بدر» (همان: ۱۲) و «ستاره» (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۲۵) در قالب ترجیع بند، «نی نی کوچولو» (همان: ۶۵) در قالب ترکیب بند و «خروس جنگی» (یمینی

شریف، ۱۳۸۴: ۵۳) و «تبریک تبریک» (همان: ۵۹) در قالب ترجیع بندواره هستند. در مورد داستانهای منظومی که شاعر برای گروه سنی نوجوانان سروده است، نیز باید گفت که همگی در قالب مثنوی سروده شده‌اند. داستانهای منظومی از قبیل «پرواز جوجه» (یمینی شریف، ۱۳۸۴: صص ۱۱۲-۱۱۳)، «قصه‌های شیرین» که دربرگیرنده مجموعه‌ای از قصه‌هاست. (همان: ۱۱۴-۱۳۰)، «گربه‌های شیپور زن» (همان: ۱۳۰-۱۳۸) و «فری به آسمان می‌رود» (همان: ۱۳۸-۱۴۹). یمینی شریف اشعاری را نیز در قالب نیمایی سروده است که از مهمترین آنها میتوان شعر «ایران عزیز» (همان: ۱۰۴-۱۱۰) را نام برد. اینک به دسته بندی قالبها با توجه به بسامدشان در آثار بررسی شده یمینی شریف می‌پردازیم:

۷-۳-۱- دسته بندی قالب ها به تفکیک کتاب

گل‌های گویا:

قالب	فراوانی	درصد فراوانی
مثنوی	۳۴	۶۸.۰
چهارپاره	۷	۱۴.۰
غزل	۶	۱۲.۰
سایر	۳	۶.۰

آواز فرشتگان:

قالب	فراوانی	درصد فراوانی
مثنوی	۳۴	۶۳.۰
چهارپاره	۵	۹.۳
غزل	۱۲	۲۲.۲
سایر	۳	۵.۶

باغ نغمه‌ها:

قالب	فراوانی	درصد فراوانی
مثنوی	۱۱	۳۲.۴
چهارپاره	۱۸	۵۲.۹
غزل	۱	۲.۹
سایر	۴	۱۱.۸

نیم قرن در باغ شعر کودکان:

از آنجا که این کتاب گزیده ای از اشعار یمنی شریف میباشد، ما فقط از شعرهایی بسامد گرفته ایم که در سه کتاب بررسی شده دیگر (آواز فرشتگان، گل‌های گویا و باغ نغمه ها) نیامده اند.

قالب	فراوانی	درصد فراوانی
مثنوی	۲۱	۶۰.۰
چهارپاره	۸	۲۲.۹
غزل	۳	۸.۶
سایر	۳	۸.۶

۷-۳-۲- در مجموع:

قالب	فراوانی	درصد فراوانی
مثنوی	۱۰۷	۶۱.۵
چهارپاره	۳۸	۲۱.۸
غزل	۲۲	۱۲.۶
سایر	۷	۴.۰

۷-۴- داستانهای منظوم (روایت)

«داستانها و سروده‌های منظوم در ایران پیشینه ای بسیار کهن دارند که به چند هزاره میرسد. کهنترین نمونه و الگوی آنها منظومه «درخت آسوریک» است. این داستانها سروده‌های روایی هستند. روایتها ممکنست همچون منظومه های عاشقانه، بلند یا همانند برخی متلهای کودکانه، کوتاه باشند. از جنبه دیگر، افسانه‌ها و داستانهای منظوم برآیندی از جامعه شفاهیند که دارای سنت نقلی و قصه گویی است.» (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴. ج. ۶: ۷۹۴)

عباس یمنی شریف در میان اشعار خود سروده‌های روائی بیشماری را برای مخاطبان کودک و نوجوان خود سروده است که از معروفترین آنها میتوان کتاب «قصه های شیرین»، «گره های شیپور زن» و «فری به آسمان می‌رود» را نام برد. علاوه بر اینها شاعر در مجموعه‌های دیگر اشعارش نیز داستانهایی دارد که بصورت منظوم برای کودکان و نوجوانان سروده شده است. «در داستانهای منظوم شاعر از شیوه اندرز مستقیم فراتر می‌رود و با سود جستن از تمثیل و داستان سازی که از تخیل مایه گرفته اند به دنیای کودک

نزدیکتر میشود. شخصیت‌های اصلی این داستانها گاه جانور و گاه انسان و جانورند. پیامد کنش و واکنش و یا گفتگوی شخصیتها، پیامی رفتارگرایانه است که در بیت‌های پایانی شعر آورده میشود» (همان: ۷۸۹) اینک بعنوان نمونه افسانه منظوم «گره‌های شیپور زن» را نقل میکنیم:

در این افسانه منظوم پیرزنی در محور و موشها و گره‌ها در دو سوی او به کنش میپردازند. پیرزنی تنگ دست که بی شوهر مانده است در خانه ای زندگی میکند. این پیرزن تنها و بی‌کس است و نه نان دارد و نه نان آور. همسایه‌های این پیرزن ته مانده خوراکشان را برای او می‌آورند و پیرزن با این خوراکها زنده است و اگر خوراکی هم برای او نیاورند، او چیزی برای خوردن ندارد: داشت در شهری زن پیری وطن / روزگارش تلخ بود آن پیرزن / قد و بالایش خمیده، چون کمان / بود آن بیچاره، مستی استخوان / این زن در مانده نان آور نداشت / دستگیر و یاور و شوهر نداشت / چون برای نان همیشه لنگ بود / روز و شب از حال خود دلتنگ بود / کس خبر از حال و روز او نداشت / اعتنا بر آه و سوز او نداشت / خانه او را نمیزد در، کسی / بهر دیدارش نمیزد سر، کسی / روز تنها تا شب و تنها تا سحر / او ز مردم، مردم از او بیخبر / گاه میدادند اگر همسایه‌ها / مانده شام و نهار خویش را / پیرزن میخورد و بود آن روز سیر / گر نه، خود چیزی نمی‌آورد گیر. (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۱۳۰)

موشها که از دیگر شخصیت‌های داستانند در خانه این پیرزن لانه دارند و به خوراک‌های پیرزن دستبرد میزنند. پیرزن که از دست موشها عاجز شده بود، روزی رئیس موشها را شکار میکند و میخواهد او را بکشد که موش از او تمنا میکند که او را رها کند و در عوض اینکار به پیرزن قول میدهد که با همکاری موشهای دیگر بهترین خوراک‌های شهر را برای پیرزن بیاورند. پیرزن آن موش را آزاد میکند و موش هم به موشهای دیگر دستور میدهد که بهترین خوراک‌های شهر را در ازای لطف پیرزن به خانه او ببرند. با وفای به عهد موشها، خانه پیرزن پر از خوراکی میشود و با وضع خوبی که پیدا کرده است دیگر خوراک‌های همسایه‌ها را نمی‌پذیرد و با اخم و تشر با آنها برخورد کرده و همسایه‌ها نیز از دست او رنجور میشوند: دختر همسایه‌ایی مانند پیش / برد پیش پیرزن از آش خویش / پیر با او گفت با اخم و تشر: «آش خود را زود بردار و ببر / من دگر، پیر قدیمی نیستم / آن زمین

گیر قدیمی نیستم / دخترک! من آدمی حالا شدم / زندگانی دارم و دارا شدم» / دختر از این حرفها دلگیر شد / برد آش و دلخور از آن پیر شد. (همان: ۱۳۳)

پس از گذشت چند ماه گربه های شهر پی میبرند که خانه پیرزن پر از موش شده است. از این بخش، روایت جنگ موشها و گربه ها آغاز میشود و گربه ها با مشورت با یکدیگر و طی دو نقشه و مرحله موشها را شکار میکنند و در برابر آنها پیروز میشوند: ریختند از هر کناری گربه ها / در میان موشها، همچون بلا / چنگ و دندان را بکار انداختند / خانه را از موش، خالی ساختند. (همان: ۱۳۶)

در بخش پایانی این مجموعه، گربه ها با نواختن شیپور در شهر پیروزی خود را جشن گرفته و در روز بعد، انجمنی را برای پیرزن تشکیل دادند و بر آن شدند که گربه ای از میان آنها به پیرزن کار بافتن را بیاموزد تا او به سعی پنجه های با هنرش برای خود روزی فراهم آورد. همچنین پیام رفتاری شاعر در بیت پایانی آمده است:

با محبتهای گربه، پیرزن / کم کمک استاد شد در بافتن / چون ز بهر روزی خودکار داشت / از پناه پست طبعان عار داشت. (همان: ۱۳۶-۱۳۷)

«گفتگو در داستان یکی از مهمترین عناصر آن بشمار میرود. عنصری که بخشی از «کنش یا عمل داستانی» بوسیله آن انجام میشود. در داستانواره های منظوم نیز، گفتگو در همنشینی با شخصیت پردازی و دیگر عناصر در متن روایت، ابعاد داستان وارگی شعر را تقویت میکند.» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۴۳۴-۴۳۵)

گفتگو در داستانواره های منظوم کودکان و نوجوانان کاربرد خاصی دارد؛ تا جایی که مهمترین عنصر در بسیاری از داستانهای منظوم یمنی شریف را گفتگو در شکل مناظره تشکیل میدهد. اشعاری از یمنی شریف را میتوان نام برد که عنصر مناظره در آن نقشی اساسی بازی میکند و گاه درختان، اشیاء و حیوانات با هم سخن میگویند و گفتگوهایی را رد و بدل میکنند. این اشعار یمنی شریف میتواند تقلیدی باشد از مناظره های پروین اعتصامی. بعنوان مثال، در مناظره «میز و چراغ» (یمنی شریف، ۱۳۸۴: ۱۱۴-۱۱۷)، میز و چراغ هر کدام سرگذشت خود را برای دیگری نقل میکند. میز از زمانی که بذری نهان در دل خاک بوده است، برای چراغ میگوید: که من جز تخم ناچیزی نبودم / به غیر از دانه ریزی نبودم / به زیر خاک بودم چند گاهی / چو زندانی قریب هشت ماهی. (همان: ۱۱۴)

در شعری نیز با عنوان «همه کاره و هیچ کاره» (همان: ۱۲۸-۱۲۹)، حیواناتی گرد هم جمع میشوند تا مسابقه دو، شنا و پرواز برگزار کنند. از میان آنها غاز ادعای قهرمانی در هر سه رشته را دارد و در نهایت هیچ کاره از آب در می‌آید.

از این نوع داستانهای منظوم یمینی شریف، همچنین میتوان «گاو و سگ» (یمینی شریف، ۱۳۸۴: ۱۱۹)، «اسب و سگ» (همان: ۱۲۳)، «شیر و خرگوش» (همان: ۱۲۶)، «درخت شکسته» (یمینی شریف، ۱۳۵۰: ۲۶)، «نسرین و شرین» (همان: ۳۱)، «گل زرد و پیر مرد» (یمینی شریف، ۱۳۵۲: ۳۳) و «کاسه و جام» (همان: ۳۶) را نام برد.

نتیجه:

با نگاهی عمیق به مطالبی که درباره سبک‌شناسی شعر یمینی شریف گفته شد، میتوان او را به گواهی آثار و نامش بعنوان یکی از مطرحترین چهره‌های دوره نخست از شعر جدید کودک بحساب آورد. یمینی شریف در انتخاب اوزان عروضی در اشعار کودکانه خود عموماً از وزنهایی با پایه‌های محدود عروضی و در شعرهای نوجوان و داستانهای منظوم بیشتر از اوزانی با پایه‌های عروضی سه تایی (مصراعهایی بلند تر از کودکانه‌ها) استفاده کرده است. قافیه‌ها در اشعار کودک یمینی شریف اکثراً از نوع قافیه‌های پایانی هستند. موسیقی درونی (انواع تکرارها و جناسها) نیز در اشعار او گاهی نمود پیدا میکند؛ بطوری که شاعر هر جا که تشخیص داده است که شعریت شعر او در بکارگیری اینگونه از موسیقی است، از آن استفاده کرده است. از ویژگیهای زبانی سروده‌های یمینی شریف، سادگی و روانی آنهاست و شاعر سعی کرده است در سرایش شعر کودکان از زبانی کودکانه استفاده نماید؛ اما در بعضی از موارد علیرغم رعایت سادگی زبان، مسائلی همچون کهنگی زبان و شکستگی لغات که نارسائیهای زبانی را تشکیل میدهند موجب سستی و کاهش ارزش شعر او شده‌اند. از لحاظ سطح فکری، یمینی شریف در اشعار خود پیوسته در حال امر و نهی است. در شعرهای او، پیامهای اخلاقی و تربیتی درباره رفتارهای فردی و اجتماعی، بشکلی مستقیم به کودک داده میشود. همچنین شیوه نگاه یمینی شریف شیوه‌ای سستی مینماید، بگونه‌ای که شعر و نظم در دست او ابزاری بوده است برای بیان مسائل تعلیمی و تربیتی. شعر یمینی شریف از لحاظ سطح ادبی بویژه کاربرد عنصر تخیل یکسان نیست. در

شعرهایی که به شناساندن جانوران، اشیاء و عناصر طبیعت میپردازد، با بهره‌گرفتن از تمثیل، توصیف و گاه بازی، عنصر تخیل چیرگی می‌یابد؛ اما در شعرهای پندآموز کارکرد عنصر تخیل بسیار ضعیف است و گاهی نیز هیچ کارکردی ندارد، با اینحال میتوان مهمترین عناصر خیالی در شعر او را ابتدا تشخیص و سپس تشبیه معرفی کرد. قالبهای مسلط در شعر یمنی شریف را نیز به ترتیب میتوان مثنوی، غزل و چهارپاره دانست و در پایان اینکه عباس یمنی شریف در میان اشعار خود سروده‌های روائی بیشماری را برای مخاطبان کودک و نوجوان دارد که در آنها از شیوه‌انداز مستقیم فراتر میرود و با سودجستن از تمثیل و داستان‌سازیهایی که از تخیل او مایه گرفته‌اند به دنیای کودک نزدیکتر میشود.

فهرست منابع:

- ۱- حسن لی، کاووس (۱۳۸۵)، فرازا و فرودهای یمنی شریف، بزرگداشت یمنی شریف، (بی‌جا): (بی‌نا).
- ۲- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۷)، دستور زبان فارسی، کتاب‌حروف اضافه و ربط، چاپ دوم، تهران: (بی‌نا).
- ۳- سلاجقه، پروین (۱۳۸۵)، از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان) چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان.
- ۴- سهراب (مافی)، معصومه (۱۳۷۲)، هفده مقاله درباره ادبیات کودک، چاپ اول، تهران: شورای کتاب کودک .
- ۵- شعبانی، اسدالله (۱۳۸۶)، «پیوندهای آوایی و شعر عباس یمنی شریف» پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۵۰، پاییز، صص ۱۱۱-۱۲۳ .
- ۶- کیانوش، محمود (۲۵۳۵)، شعر کودک در ایران، تهران: نشر آگاه.
- ۷- محمدی، محمدهادی و قایینی، زهره (۱۳۸۴)، تاریخ ادبیات کودکان، جلد ۶، چاپ دوم، تهران: چیستا .
- ۸- محمدی رفیع، شایا (۱۳۸۵)، «اهمیت واژگان پایه در شعر کودک» کتاب ماه کودک و نوجوان، فروردین و اردیبهشت، صص ۱۷۵-۱۸۰.

- ۹- محمدی، محمد (۱۳۷۸)، «ادبیات کودک چیست؟» مجله کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۲۱، تیرماه، صص ۱۲-۱۳.
- ۱۰- نورتون، دوننا (۱۳۸۲)، شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک، جلد ۱، چاپ اول، تهران: چاپ ستاره سبز.
- ۱۱- یمنی شریف، عباس (۱۳۸۴)، نیم قرن در باغ شعر کودکان، چاپ هفتم، تهران: نشر روش نو.
- ۱۲- _____ (۱۳۴۵)، آواز فرشتگان یا اشعار کودکان، نقاشی متن: مرتضی ممیز، چاپ چهارم، تهران: سازمان کتابهای طلایی، وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۱۳- _____ (۱۳۵۰) گل‌های گویا، شعرهای کودکان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۴- _____ (۱۳۵۲)، باغ نغمه‌ها، شعرهای نوجوان، تصاویراز: هلن راغب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.